

درس سوم : در کوی عاشقان

بروید ای حریفان، بکشید یار ما را به من آورید آخر، صنم گریز یا را

واج آرایی ا-ر / من - ما تناسب/ صنم استعاره از معشوق، شمس / ما، را: جناس ناهمسان

به ترانه های شیرین، به بهانه های زرین بکشید سوی خانه مه خوب خوش لقا را

واج آرایی خ/ ترانه های شیرین، بهانه های زرین: حس امیزی/ مه استعاره از محبوب (شمس)/ تکرار واج - واج آرایی

اگر او به وعده گوید که دم دگر بیایم همه وعده مکر باشد، بفریید او شما را

تکرار واج های گ-م: واج آرایی/ مکر، بفریید، وعده: مراعات نظیر/ وعده: تکرار

چند کنم تو را طلب، خانه به خانه در به در؟ چند گریزی از برم، گوشه به گوشه کو به کو؟

در- بر: جناس ناهمسان/ در، خانه، گوشه، کو: تکرار/ تکرار مصوت و: واج آرایی/ در، خانه، گوشه، کو: مراعات نظیر/ خانه به

خانه، دربه در، گوشه به گوشه، کو به کو: مجاز از همه جا/

باز، گردِ شمس می گردم، عَجَباً! هم ز فرِ شمس باشد این سبب

تلمیح به ماجرای شمس تبریزی / شمس: تکرار / گرد، می گردم: اشتقاق

صد هزاران بار، بُریدم امید از که؟ از شمس، این زمن باور کنید

واج آرایی ب / اغراق / تلمیح / امید بریدن کنایه از ناامیدی / صد هزاران کنایه از بسیار زیاد / این زمن باور کنید؟! این باور کردنی نیست: پرسش انکاری

بشنو این نی چون حکایت می کند از جدایی ها شکایت می کند

نی استعاره از مولانا و نماد انسان کامل و عارف / شکایت و حکایت: جناس ناهمسان / می کند: تکرار

هر نفس آواز عشق می رسد از چپ و راست ما به فلک رفته ایم عزم تماشا که راست؟

به فلک رفتن کنایه از تعالی و عروج معنوی

چپ، راست: تضاد / آواز عشق: استعاره (تشخیص) / راست، راست: قافیه و جناس ناهمسان / که، به: جناس ناهمسان / چپ و راست مجاز از همه جا / هر نفس مجاز از هر لحظه / فلک مجاز از عالم معنا و ملکوت

ما به فلک بوده ایم یار ملک بوده ایم باز همان جا رویم جمله که آن شهرماست

شهر مجاز از وطن / تلمیح به آیه انالله و انا الیه راجعون / فلک، ملک: جناس ناهمسان

خود ز فلک برتریم، وز ملک افزون تریم زین دو چرا نگذریم؟ منزل ما کبریاست

فلک، ملک، کبریا: مراعات نظیر / گذشتن از چیزی کنایه از رها کردن، فراموش کردن / فلک، ملک: جناس ناهمسان / چرا نگذریم: باید بگذریم: پرسش تأکیدی

بخت جوان یارما، دادن جان کار ما قافله سالار ما، فخر جهان مصطفاست...

جوان و جان: جناس ناهمسان / یار، کار، سالار: سجع (قافیه میانی) / جان، جهان: جناس ناهمسان / «یار، کار» و «جهان، جوان»: جناس ناهمسان / جان دادن کنایه از عاشق پاکباز بودن / «یار بودن بخت» و «جوان بودن بخت» استعاره (تشخیص) / تکرار واج «ا» واج آرایی / ما: تکرار

رو، سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن ترک من خرابِ شبگرد مبتلا کن

واج آرایی / ا / واج آرایی و / سر به بالین نهادن کنایه از خوابیدن، بی توجه بودن / واج آرایی —

دردی است غیر مردن، کان را دوا نباشد پس من چگونه گویم، کاین درد را دوا کن

درد استعاره از عشق / کان و کاین: جناس ناهمسان / اغراق (مصراع اول / درد، مردن، دوا: مراعات نظیر / درد و دوا: تکرار / واج آرایی د - ر / درد، دوا: تضاد

در خواب دوش، پیری درکوی عشق دیدم با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن

کوی عشق: اضافه تشبیهی / خواب و دوش: مراعات نظیر / واج آرایی د / کوی، سوی: جناس ناهمسان

به روز مرگ، چو تابوت من روان باشد گمان مبر، که مرا درد این جهان باشد

واج آرایی د / مرگ، تابوت: تناسب / تابوت مجاز از پیکر و جسد / درد چیزی را داشتن کنایه از مهم بودن آن چیز و توجه به آن

برای من مگری و، مگو دریغ! دریغ! به دام دیو درافتی، دریغ آن باشد

دام و دیو: تناسب / دریغ: تکرار / به دام چیزی افتادن کنایه از گرفتار و اسیر آن شدن / دیو استعاره از شیطان / واج آرایی د

کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟

مصراع اول: پرسش انکاری / دانه انسان: اضافه تشبیهی / دانه، زمین، روییدن: مراعات نظیر / فرو رفت و نرست: تضاد / واج آرایی د - ن / توضیح: استفهام انکاری یا پرسش تأکیدی زیرمجموعه آرایه کنایه هستند.

درس پنجم: ذوق لطیف

به حرص از شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم بیابان بود و تابستان و آب سرد

خوردن شربت کنایه از خطا و اشتباه / مصراع دوم کنایه از اضطراب / آب سرد، استسقا: تضاد / شربت، آب سرد، استسقا: مراعات نظیر / بد، بود: جناس ناهمسان / واج آرایی «و» در مصراع دوم